

A look at the relationship between culture and economy in the second Pahlavi period

Hamidreza. Rahi^{1*}

Seyed Hamidreza. Seyedi²

1 *Corresponding author: M.A of Muslim Social Science, Faculty of Humanities, Shahid University, Tehran, Iran.

2 Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Shahid University, Tehran, Iran.

Email: hamidrezarahi73@gmail.com | Received: 19.12.2022 | Acceptance: 17.03.2023

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2821-1294
<https://journalspsich.com>
Vol. 2, No 1, Pp: 1-40
Spring 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Rahi, H. R., & Seyedi, S. H. (2023). A look at the relationship between culture and economy in the second Pahlavi period, *spsich*, 2(1): 1-40.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

A society will achieve sustainable development that can establish a proper balance between the four sectors of economy, society, culture and politics. This balance means simultaneous growth and two-way relations between each pillar. During Pahlavi II's time, we had a golden opportunity to achieve economic development. At this time, Iran's economic growth index increased by 389% and the gross domestic product reached 51 billion dollars from 4 billion dollars in 1977, but this income was not followed by economic development. It did not cause development in other important sectors including culture became. Therefore, this research examines the relationship between culture and economy in the second Pahlavi period using a qualitative-descriptive method. The results of the research show that what was passing in Iranian society at that time was the power of economy over culture. Economy had such a material and spiritual dominance over culture that it destroyed or weakened many moral relationships in social, economic, cultural and religious fields.

Keywords: *Pahlavi II, economy, culture, authority of economy over culture, content analysis method.*

نگاهی به رابطه فرهنگ و اقتصاد در دوره پهلوی دوم

حمیدرضا راهی*^۱
سیدحمیدرضا سیدی^۲

۱. کارشناسی ارشد دانش اجتماعی مسلمین، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸ | پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶ | ایمیل نویسنده مسئول: hamidrezarahi73@gmail.com

فصلنامه علمی مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۲۸۲۱-۱۲۹۴
https://journalspsich.com
دوره ۲ | شماره ۱ | صص ۴۰-۱
بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(راهی و سیدی، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

راهی، حمیدرضا، و سیدی، سیدحمیدرضا. (۱۴۰۲). نگاهی به رابطه فرهنگ و اقتصاد در دوره پهلوی دوم. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۱): ۴۰-۱.

چکیده

جامعه‌ای به توسعه پایدار دست پیدا خواهد کرد که بتواند توازن مناسبی بین چهار بخش اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و سیاست برقرار کند. این توازن به معنای رشد هم زمان و روابط دو سویه بین هر رکن می‌باشد. ما در زمان پهلوی دوم یک فرصتی طلایی برای رسیدن به توسعه اقتصادی داشتیم در این زمان شاخص رشد اقتصادی ایران ۳۸۹ درصد افزایش داشت و تولید ناخالصی نیز از ۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ به ۵۱ میلیارد دلار رسید، اما این درآمد نه توسعه اقتصادی به دنبال داشت نه موجب توسعه در سایر بخش‌های مهم از جمله فرهنگ شد. از اینرو این پژوهش به بررسی رابطه فرهنگ و اقتصاد در دوره پهلوی دوم به روش کیفی-توصیفی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد آنچه که در جامعه ایران آن زمان در حال گذشتن بود اقتدار اقتصاد بر فرهنگ بود. اقتصاد چنان تسلط مادی و معنوی بر فرهنگ داشت که بسیاری از مناسبات اخلاقی را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی از بین برده و یا کمرنگ کرده بود.

کلیدواژه‌ها: پهلوی دوم، اقتصاد، فرهنگ، اقتدار اقتصاد بر فرهنگ، روش تحلیل محتوا.

مقدمه و بیان مسئله

در بررسی‌های جامعه‌شناختی، ارتباط دولت و نهادهای اقتصادی و فرهنگی، چگونگی ارتباط-یک جانبه، دو جانبه- آنها از جمله اساسی‌ترین بحث می‌باشد. از دیدگاه نوسازی و توسعه، این رابطه بسیار حائز اهمیت است و توانایی مشخص کردن مسیر پیشرفت یک جامعه را دارد. در دوران پهلوی دوم شرایط ایران از نظر اقتصادی و به ویژه منابع نفتی فرصت خوبی برای توسعه و رشد کشور بود، در همین راستا پهلوی دوم که به خوبی می‌دانست، استراتژی توسعه وی بدون دسترسی به ملزومات مدرنیزه شدن نمی‌تواند برای وی شان و منزلتی ایجاد کند؛ بنابراین نهادهای مختلف و مخصوصاً تعلیم و تربیت، وسایل ارتباط جمعی، اوقات فراغت و بوروکراسی دولتی همراه با شماری از اصلاحات قانونی در حوزه‌هایی مثل خانواده، اقتصاد و مذهب، همه به کار گرفته شدند تا نگرش همگانی جدیدی را در بین توده مردم و نظم اجتماعی جدیدی را در کشور القاء کنند. توجیه این سیاست‌ها وجود یک ایدئولوژی را ایجاب می‌کرد و آن ایدئولوژی همان ترکیب فرهنگ غربی با فرهنگ باستان بود.

رشد طبقه‌ی متوسط جدید از دیگر پیامدهای فرایند نوسازی محمدرضاشاه بود. تقاضای روزافزون برای فن آگاهان و مدیران در سطوح گوناگون بخش‌های عمومی و خصوصی و گسترش سریع آموزش به سبک غربی، به پیدایی این طبقه‌ی متشکل از متخصصان آزاد و کارمندان و نیروهای نظامی و فن آگاهان در بخش خصوصی و روشنفکران منجر شد. در حالی که نسل قبلی طبقه‌ی متوسط جدید تا مقدار زیادی پیوند خود را با فرهنگ سنتی حفظ کرده بود، نسل بعد از دوره‌ی رضاشاه به طور فزاینده‌ای غربی شد و از فرهنگ بومی، به ویژه از ارزش‌ها و شیوه‌های رفتاری اسلامی، فاصله گرفت.

آنچه که در این مقاله قصد پرداختن به آن را داریم پردازش رابطه فرهنگ و اقتصاد است. اینکه چگونه مباحث اقتصادی مبانی ارزشی فرهنگ ایرانی و اسلامی را تحت سیطره قرار داده و هویت فرهنگی ایرانی را متزلزل کرد. این شناخت و بررسی باید در بطن و متن همان تحولات کلی مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد. بنابراین در این

تحقیق تلاش می‌شود تا علت این رویداد را در برهه تاریخی پهلوی دوم که نخستین تقابل‌های فرهنگی برای رسیدن به رشد اقتصادی رخ داد، مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه با شناسایی علت‌ها و چگونگی شکل‌گیری آنها به دنبال راهکارها و پیشنهادهایی برای ایجاد یک رابطه دو سویه بین فرهنگ و اقتصاد بر خواهیم آمد. و نهایتاً به این سوال که رابطه فرهنگ و اقتصاد در دوره پهلوی دوم چگونه بوده است؟ پاسخ دهیم.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه فرهنگی بیشتر با مفاهیمی چون توسعه سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است و تعداد اندکی به صورت مشخص به رابطه اقتصاد و فرهنگ پرداخته‌اند. از جمله این تحقیقات می‌توان به تحقیق میرزاده احمدبیگلو (۱۳۸۱) اشاره کرد که به بررسی «فرهنگ، توسعه و اقتصاد سیاسی نفت در دوره پهلوی دوم» پرداخته است. او به این نتیجه رسید که ایران با فرهنگ «خاص» خود در استفاده از محصولات برآمده از ذهنیات غرب و هضم آن در ذهنیت ایرانی ناکام بوده است؛ از این رو در دوره پهلوی دوم، فرهنگ مذکور به یاری عواید نفتی و با تغییر شکل به حیات خود ادامه داده است. طالب و عنبری (۱۳۸۵) نیز در مقاله‌ای با عنوان «دلایل ناکامی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم» بیان می‌کنند که تجربه نظام برنامه‌ریزی در عصر پهلوی دوم نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی دولتی توسعه به دلایل مختلف اجتماعی و سازمانی، پیامدی جز نابسامانی و ایجاد تضادهای چندگانه در لایه‌های زندگی اجتماعی مردم نداشته است. نظام برنامه‌ریزی که از منظر نظام جهانی در راستای وابستگی و توسعه سراسیمه طراحی و تنظیم شده است، در ایران بر دیکتاتوری دولت و دوگانگی ساختاری در بخش‌های مختلف جامعه افزود.

سوری لکی و سوری (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «روند نوساز، تعارضات فرهنگی-مذهبی و فروپاشی حکومت پهلوی دوم» بیان می‌کنند که الگوی نوسازی حکومت پهلوی دوم، مشخصاً در جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه ایران اجرا شد و تمامی برنامه‌ریزی‌های دولتی و متمرکز حکومت مزبور همچون انقلاب سفید، لایحه

انجمن‌های ایالتی و ولایتی و...، در راستای همین امر به کار گرفته شد. این برنامه‌ها به دلیل ویژگی‌های پاتریمونیالیستی و اقتدارگرایی رژیم پهلوی، حوزه‌های سیاسی و مذهبی را در بر نمی‌گرفت و به همین دلیل، تضادهای اساسی با نیروهای اجتماعی طبقات متوسط جدید، سنتی و پایین و حتی بالاتر را ایجاد نمود.

کتابی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود بیان می‌کنند که فرهنگ سیاسی نخبگان ایران به عنوان یکی از دو بعد مهم فرهنگ سیاسی دارای ویژگی‌هایی همچون بدبینی سیاسی، بی‌اعتمادی شخصی، احساس عدم امنیت آشکار است. همچنین فرهنگ استبدادی حاکم بر جامعه و نظام سیاسی حاکم وقت، مدیریت اقتدارگرایانه پهلوی دوم بر نهادهای مختلف جامعه، سرکوب جامعه مدنی و انحلال احزاب سیاسی و تشکلهای اجتماعی و فرهنگی منتقد وابسته به طبقه متوسط و قطع جریان روشنفکری پویا و آزاد به عنوان مهم‌ترین موانع فرهنگی توسعه سیاسی در آن دور محسوب می‌شود (حیدرپور کلیدسر و همکاران: ۱۳۹۶).

جهانگیری و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «دولت رانتیر، طبقه متوسط جدید و بی‌ثباتی سیاسی در عصر پهلوی دوم» بیان می‌کنند که نوسازی و مدرنیزاسیون متأثر از الگوهای غربی و متکی بر سیاست‌های آمرانه محمدرضا شاه پهلوی از دهه ۴۰ شمسی به بعد نگرانی فزاینده گروه‌ها و اقشار مدافع فرهنگ و سنت اسلامی را برانگیخت. این پروسه باعث شده دولت قدرت انحصاری کسب کند و نیازی به دخالت دادن گروه‌ها و طبقات مختلف در قدرت نبیند. وحیدی‌راد (۱۳۹۸) در تحقیقی به این نتیجه دست یافت که محمدرضا شاه پس از انجام اقداماتی در تقویت موضع داخلی با حمایت‌های آمریکا و افزایش درآمدهای نفتی و خروج انگلستان از خلیج فارس، با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و معرفی خود به عنوان یک بازیگر بین‌المللی، در راستای ایجاد یک دولت سلطه و سپس هژمون در منطقه گام برداشت و با کاربست برخی ابزارها توانست طرح دولت سلطه در منطقه را عملی کند.

جهانگیری و طاهری (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «نوسازی و گفتمان فرهنگی - مذهبی در دو دهه پایانی عصر پهلوی دوم» به این نتیجه رسیدند که علت سقوط سلسله پهلوی، ریشه‌های قومی و مذهبی جامعه، نادیده گرفتن قدرت روحانیون و

اثرپذیری فرهنگی از روحانیت بود، که برنامه‌های نوسازی حکومت هم نتوانست در بین آنها طرفدارانی بیابد. سلطانی‌احمدی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پهلوی دوم به انگلیس» بیان می‌کنند وابستگی ایران به انگلستان در دوره سلطنت محمدرضا پهلوی و دخالت آن کشور در امور ایران قابل مشاهده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که انگلیسی‌ها مخصوصاً با انتخاب مهره‌های متمایل به خود در مناصب مهم، سیاست‌های راهبردی‌شان را در ایران دنبال می‌کردند. از جنبه اقتصادی روابط اقتصادی ایران و انگلیس کاملاً به سود آن کشور بود و منابع مالی‌هنگفتی برای آن‌ها به همراه آورد. در عرصه فرهنگی نیز انگلیسی‌ها کوشیدند با اقدامات فرهنگی متنوع، در جهت سوق دادن افکار جامعه ایرانی با سیاست‌های خود حرکت کنند.

نوآوری پژوهش: با توجه و مرور تحقیقاتی که درباره نحوه زمامداری حکومت پهلوی تاکنون انجام شده است، جای خالی چگونگی ارتباط فرهنگ و اقتصاد در این دوره به خوبی دیده می‌شود. در بسیاری از تحقیقاتی که در این خصوص انجام شده بیش‌تر به موضوعات موردی از قبیل زنان، حجاب و جشن‌های ۲۵۰۰ بوده است و کمتر تحقیقی در خصوص تاثیرگذاری اهداف اقتصادی بر هویت فرهنگی و فرهنگ بومی و اسلامی صورت گرفته است. در حالیکه فرهنگ به عنوان یک متغیر مستقل تاثیرگذار در امور توسعه و نوسازی است و باید نقش و تاثیرگذاری آن به خوبی در این حوزه بررسی شود و اینکه ارتباط این متغیر با متغیر اقتصادی چگونه بوده است؟

همچنین بررسی آن دوران به دلیل رشد اقتصادی نسبی که به دلیل فروش نفت ایجاد شده بود، بسیار حائز اهمیت است، اینکه چطور این رونق منجر به وابستگی بیش‌تر به غرب و عدم استقلال هویتی ایران گشت. از این رو تحقیق حاضر می‌تواند روشنگری‌های مناسبی برای برنامه‌ریزی‌های آتی کشور ایجاد و پیشنهادهای جهت مدیریت بهتر و ارتباط موثرتر اقتصاد و فرهنگ ارائه کند.

مبانی نظری پژوهش

مفاهیمی که در این تحقیق باید از منظر خاصی به آنها نگریسته شود، عبارتند از: فرهنگ، نوسازی، توسعه و اقتصاد است.

فرهنگ

فرهنگ در این مقوله متمایز از تمدن در نظر گرفته شده است. زیرا فرهنگ بیستر ذهنی- روانی است و تمدن عینی و مادی. فرهنگ همراه و توأم با سنن و آداب و رسوم، و عقاید و آراء، باورها و ارزش‌های جامعه در نظر گرفته شده است که با ذهنیت افراد و اعضای جامعه کاملاً عجین می‌باشد. مسلم است که نمی‌توان تک تک ابعاد فرهنگ را در این مقوله مختصر بررسی کرد. لذا تعریفی که برای این بحث در نظر گرفته شده، سه تعریف کلی از ریمون ویلیامز است: نخست، فرهنگ به عنوان فرآیند عمومی تکامل و توسعه فکری، معنوی و زیباشناختی. دوم فرهنگ به عنوان شیوه خاص زندگی مردم خاص یا دورانی خاص؛ و سوم فرهنگ به عنوان فرآورده‌های فعالیت فکری و هنری، در ذیل تعریف اول کل فلسفه و اندیشه، هنر و خلاقیت فکری یک عصر یا کشور می‌گنجد؛ در ذیل مقوله دوم، آداب رسوم، عادات، مراسم و مناسک یک قوم یا دوران جا می‌گیرد و در ذیل تعریف سوم، شعر و ادبیات و هنرهای مختلف مندرج است (بشیریه، ۱۳۷۹: ۹). اتخاذ این تعریف نه تنها موجب انحراف و پراکندگی گویی نیست، بلکه به دلیل اینکه عناصر و ویژگی‌های یک فرهنگ را نمی‌توان به عناصر منفک تقسیم و جداگانه بررسی کرد؛ این تعریف اتخاذ شده است.

نوسازی

تحولات اجتماعی سیاسی و فرهنگی که در غرب اتفاق افتاد، برخی از کشورهای غربی را به توسعه یافتگی نزدیک ساخت، ماحصل عوامل گوناگونی از جمله انقلاب صنعتی و رنسانس بود. پس از دهه ۶۰ نظریه نوسازی جای نظریه رشد را گرفت. این نظریه کیفیت خاصی داشت. نوسازی غربی هم درصدد یک نظریه‌ایی بود که مقوله رشد را با تحولات اقتصادی و فرهنگ و سیاسی و.. دنبال کند.

کشورهای توسعه‌نیافته، یا جهان دوم و سوم نیز راه توسعه را در فرهنگ غربی مشاهده کردند. نظریه‌پردازان غربی نیز تنها راه موفقیت و توسعه یافتگی کشورهای درحال توسعه را دست شستن از فرهنگ بومی و پذیرفتن فرهنگ غربی می‌دانستند. شاخص‌های مد نظر نوسازی: شهر گرایی، صنعتی شدن، رشد سطح سواد، توسعه مشارکت سیاسی، وجود ایدولوژی‌هایی چون سکولاریسم، فردگرایی، لیبرالیسم و...

توسعه

ابتدا اینکه مفهوم توسعه با رشد بسیار متفاوت می‌باشد. رشد اقتصادی صرفاً مادی و تک بعدی و کمی است. اما توسعه چند جانبه گرا. لذا در تعریفی دقیق، توسعه، تحول روحی و مثبت در یک ملت است که آثارش به صورت، اختراعات و دستیابی به روش‌های نوین در تولید و در آخر ارتقای کمی و کیفی محصولات و افزایش درآمد می‌باشد.

اگر چه مرحله رشد اقتصادی زمینه ساز توسعه نیز می‌باشد و اقتصاد دانان، رشد و توسعه اقتصادی را مترادف با هم در نظر می‌گیرند، اما در نظر سیاستمداران، مفهوم توسعه فراگیرتر و جامع‌تر از مفهوم رشد بوده از طریق دستیابی به رشد اقتصادی می‌توان شرایط لازم جهت رسیدن به توسعه را فراهم کرد؛ اما امکان عدم حصول به توسعه، پس از تحصیل رشد اقتصادی هم منتفی نبوده امکان دارد یک جامعه در همان مرحله رشد متوقف شود و هرگز به توسعه نرسد. در این مقاله از توسعه، مفهوم گسترده‌اش را مد نظر داریم و جهت ارزیابی آن در دوره پهلوی دوم، از رهیافت نوسازی بنا به دلایل زیر استفاده خواهیم کرد:

اولاً: با توجه به چارچوب کلی بحث، این رهیافت را نوعی تعامل تجدد و سنت، عین و ذهن، جامعه ایرانی و جامعه بین‌المللی-به خصوص غرب- قلمداد می‌کنیم و خود غرب نیز با این رهیافت که نوعی تدریج و تدرج در فرایند تحول در آن نهفته است، به غرب امروزی بدل گردید.

ثانیاً: در این رهیافت دولت در محوریت بحث توسعه قرار می‌گیرد. اما در رهیافت وابستگی، دولت و حکومت به عنوان زائده‌ای بر پیکر نام سرمایه‌داری جهانی بوده

است که جایگاهی در این مباحث ندارد در حالی که در بحث ما دولت و حکومت جایگاه خاصی دارد (میرزاده احمدبیگلو، ۱۳۸۱: ۱۶).

اقتصاد

اقتصاد به یک نظام اقتصادی در یک یا چند منطقه جغرافیای یا سیاسی خاص اطلاق می‌شود و در برگیرنده تولید، توزیع یا تجارت، مصرف کالاها و خدمات در آن منطقه یا کشور می‌باشد. یک اقتصاد مجموع کل ارزش معاملات میان فعالان اقتصادی نظیر افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی ملت‌هاست.

اقتصاد، برآیند کلیه فرایندهایی است که فرهنگ، ارزش، آموزش، تکامل تکنولوژیکی، تاریخ، سازمان اجتماعی، ساختار سیاسی، سیستم‌های قانونی، جغرافیا و همین‌طور مواهب طبیعی را دربر می‌گیرد. این عوامل زمینه، محتوا و شرایطی را تعیین می‌کند که یک اقتصاد در آن عمل می‌کند. برخی فرهنگ‌ها اقتصادهای مولدتری را به وجود می‌آورند و لذا ارزش یا تولید ناخالص بیش‌تری را تولید می‌کنند. در واقع واژه اقتصاد در دنیای امروز معانی متعددی دارد که بیان‌کننده رویکردهای متفاوت در بیان محتوای اصلی اقتصاد است. در یک تعریف کامل اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع محدود به خواسته‌های نامحدود است.

چارچوب نظری

برای بررسی ارتباط فرهنگ و اقتصاد در عصر پهلوی دوم برخی از مهمترین نظریات مطرح در این حوزه بیان می‌شود:

نوسازی

تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در غرب مسیر جوامع غربی را به سوی نوسازی و توسعه همه جانبه هدایت کرد. تئوری‌های مربوط به نوسازی در غرب برخاسته از تحولاتی چون انقلاب صنعتی، انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی و اصلاحات پیاپی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بود که در زمان کوتاهی به دیگر جوامع توسعه نیافته تسری یافت. این تئوری با تأثیرپذیری از رویکردهای کلاسیک اقتصاد سرمایه‌داری به ویژه آدام اسمیت، ریکاردو و مالتوس بر این باور استوار بود که **رشد اقتصادی به خودی خود منجر به نابودی فقر خواهد شد.**

پس از دهه ۶۰ تئوری نوسازی جایگزین تئوری رشد گردید. این تئوری از کیفیت کاملاً متفاوتی برخوردار بود چرا که فرآیند نوسازی در غرب درصدد تدوین تئوری‌ای بود که بتواند رشد اقتصادی را همیشه با سایر ابعاد اجتماعی و فرهنگی به مطالعه بکشد. این رویکرد ویژه را برحسب دو عامل میتوان توضیح داد. (تودارو، ۱۳۶۶: ۱). اول، نظریه پردازان رشد در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی تزریق سرمایه به کشورهای روبه رشد را کافی می‌دانستند تا موتور اقتصاد این کشورها با سرعت مطلوب حرکت کند و سایر مشکلات اجتماعی و فرهنگی این جوامع را حل کند. اما در عمل این تئوری با ناکامی روبرو شد و در اواخر دهه ۱۹۶۰ آشکار گشت که رشد اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند شرایط زندگی میلیون‌ها انسان جهان سومی را بهبود ببخشد.

دوم، در سال‌های نخست بعد از جنگ ابزار کارآمدتری که اتحاد شوروی در مقام رقیب اصلی امریکا به کار می‌گرفت، سلاح ایدئولوژیک بود. شوروی، ظهور پدیده فاشیسم در اروپا را محصول ایدئولوژی سرمایه داری در دوران رکود معرفی می‌کرد و علت عقب ماندگی جهان سوم را جهان سرمایه داری می‌دانست و تنها راه نجات را تحقق شعار سوسیالیسم و رهایی از سرمایه داری اعلام میکرد. در این سو شوروی در سراسر کشورهای جهان با روشنفکران چپ پیوند برقرار کرد. در این میان غرب نیز جهت مقابله با این نگرش به طرح یک ایدئولوژی مقبول برای جهان سومی‌ها تحت عنوان مدرنیزاسیون دست زد. نوگرایی تنها جنبه اقتصادی نداشت بلکه ابعاد فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر می‌گرفت. محور اصلی این رویکرد به توسعه که بدیل واقعی تئوری‌های چپ به شمار می‌رفت نفی عقب ماندگی و بهره‌گیری از بنیادهای بی‌المللی بود.

مهندسی اجتماعی و کثرت‌گرایی مفهومی

در نقد سنت روشنفکری غرب، دو دیدگاه کلان قابل احصاء است: دیدگاه کل‌گرایانه و تمامیت‌خواهانه‌ای که غالباً از انقلاب فرانسه نشئت می‌گیرد و گذار به آزادی و دنیای مدرن را حرکتی خونین، قهرآمیز و برانداز تصور می‌کند و بر هر گونه راه و رسم یا الگوی تدریجی مهر ابطال‌سازش کاری و اصلاح‌طلبی می‌کوبد. در مقابل

دیدگاه دومی وجود دارد که بر پایه نسبیت و کثرت، با مفهوم حقیقت به مثابه موضوع ثابت شناخت در فراسوی تجربه زیستی مخالف است و از زاویه نفی هر گونه خرد متعالی بر کاربرد آگاهی و تخیل برای حل مسائل خرد و خاص تاکید دارد. در حالیکه دیدگاه اول هر گونه تغییر تدریجی و جزئی را رد می‌کند و با تاکید بر کل‌گرایی تاریخی، به ترسیم دنیایی آرمانی می‌پردازد، دیدگاه دوم بر مهندسی اجتماعی تدریجی تاکید می‌ورزد.

به گفته پوپر، مبحث «مهندسی اجتماعی» دو شاخه مهندسی اجتماعی ناکجاآبادی و مهندسی اجتماعی تدریجی را شامل می‌شود (پوپر، ۱۳۷۷: ۵۰-۵۱). پوپر با نقد تاریخی گری به مثابه سرچشمه مهندسی آرمانی معتقد است:

تاریخ گرا به تاریخ به چشم رودخانه‌ای نظر می‌کند که از سرچشمه‌ای سرازیر می‌شود و در مسیری در حرکت است و چنین می‌پندارد که می‌تواند خط سیر آتی آن را مشخص سازد. او خود را بسیار هوشمند به شمار می‌آورد زیرا قادر به پیش‌بینی آینده است (پوپر، ۱۳۷۸: ۸۳-۸۴).

به این ترتیب، به نظر می‌رسد پوپر بر آن است که تاریخ‌گرایان را درگیر یکخط سیر مشخص کند که از اراده آدمی خارج است و آنها - یعنی تاریخ‌گرایان - معتقد به توانایی پیش‌بینی آینده براساس فهم این خط سیر هستند.

در مقابل آرای تاریخ‌گرایان، پوپر با تاکید بر نیاز به عقل‌گرایی در امور سیاسی و اجتماعی، عقیده دارد که بدبختی و بینوایی و رنج و درد از جهت اخلاقی مستقیماً دست به توسل به سوی ما دارد که در تخفیف آن بکوشیم (شی یرمر، ۱۳۷۷: ۱۴۰)؛ یعنی خود انسان، و به خصوص روشنفکران، باید اقداماتی از قبیل نهادسازی برای کاهش درد و رنج بشری به عمل آورند.

با طرح و توصیف مفهوم مهندسی تدریجی باید گفت براساس آنچه پوپر کاستن از بدبختی بشر می‌داند، در نظر او از لحاظ روش شناختی، مهندسی تدریجی یا جزء به جزء، شیوه درست و انتخاب عقلانی خواهد بود (همان: ۳۵۵). همچنین باید گفت به نسبت دو مقوله مهندسی جزء به جزء و تدریجی و مهندسی ناکجاآبادی، پوپر دو نوع آزمایش اجتماعی را نیز قابل طرح می‌داند؛ آزمایش‌های اجتماعی که

باید مقیاس کلان باشند و اگر بناست در موقعیت واقعی صورت پذیرند، باید کل جامعه را در برگیرند که این آزمایش مصداق مهندسی ناکجاآبادی است. اما نوع دیگر، آزمایش تدریجی و جزء به جزء است که می‌توان در موقعیت واقعی و در میانه جامعه صورت داد، صرفاً «به مقیاس کوچک» و بدون برپا کردن انقلاب در جامعه. پوپر ایجاد نوع جدید بیمه عمر یا اصلاحات کیفی امثالهم را آزمایش‌های اجتماعی می‌داند که بدون تغییر دادن شکل عمومی جامعه، در سراسر آن بازتاب‌هایی از خود باقی می‌گذارد. اما درباره آزمایش کلان مقیاس می‌گوید مهندس ناکجاآبادی بر این است که باید ساختار جامعه را سراسر به قالبی جدید بریزیم. بنابراین، یگانه آزمایش محدودتر و کوچک‌تری که در تصور او (مهندس ناکجاآبادی) می‌گنجد آزمایشی است که کل ساختار آن جامعه کوچک را به قالب جدید بریزد. ولی آموزنده‌ترین نوع آزمایش را پوپر همان می‌داند که هر مرتبه یک نهاد اجتماعی را تغییر دهیم، تا بتوانیم بدون ایجاد بازتاب‌های وخیم، با آزمون و خطا، از اشتباهات خود تجربه بیاموزیم و مدام گامی به جلو برداریم.

این دیدگاه با تاکید بر اینکه هیچ قاعده کلی و گسترده‌ای برای تغییر در عرصه زیستی آدمیان وجود ندارد، معتقد است تجربه روشنفکران در نفی و نقد سنت و مدرنیته در جوامع در حال گذار، عملاً مدرنیته را در برابر سنت قرار داده و از همین رو زمینه تغییر به سمت و سوی نوعی سیاست دموکراتیک را عملاً غیرممکن ساخته است.

فرهنگ و فرهنگ سیاسی

«آنتونی گیدنز» فرهنگ را «ارزش‌هایی که یک گروه معین دارد، هنجارهای که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی‌ای که تولید می‌کنند» (گیدنز، ۱۳۷۶: ۸۲) تعریف می‌کند. بر پایه این تعریف، فرهنگ‌ها زمینه‌های رفتاری ویژه خود را برای مردمانی که در آن حوزه فرهنگی پرورش یافته‌اند، درونی می‌کنند. براین اساس «فرهنگ» یک پدیده نسبی است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر تغییر می‌کند و هنجارها و بایدها و نبایدهایی را مشخص می‌نماید که توسط اعضای آن فرهنگ مورد پذیرش قرار می‌گیرند. بر همین مبنا، کسانی که از این بایدها و نبایدها

سرپیچی می‌کنند بخصوص در نظام‌های بسته به عنوان منحرف نگریده می‌شوند. این مساله در بعد فرهنگ سیاسی پررنگ‌تر است. به باور برخی، فرهنگ سیاسی «محیط ذهنی و نگرشی است که در درون آن نظام سیاسی عمل می‌کند» (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۹) تعریف می‌شود. بر این اساس، فرهنگ سیاسی جهت‌گیری ذهنی نسبت به سیاست یک نظام خاص به شمار می‌آید. به عبارتی، جزئی از فرهنگ کلی‌تر اجتماعی است که در تعریفی روشن‌تر می‌توان آن را مجموعه‌ای از احساسات، ارزش‌ها، عواطف و اخلاقیات که شکل‌دهنده رفتار سیاسی و اجتماعی تک تک افراد جامعه در زندگی سیاسی توصیف نمود که به سه دسته طبقه بندی می‌شود: الف) فرهنگ سیاسی محدود: این فرهنگ با نظام یاسی ابتدایی و بسته سازگار است (نقیب زاده، ۱۳۸۰: ۷۶). در این جوامع، نقش‌های سیاسی به صورت تخصصی و منفک شده وجود ندارند. فرهنگ سیاسی برخی جوامع قبیله‌ای آفریقایی در این مقوله جای می‌گیرد (آلموند و وربا، ۱۹۶۶: ۱۷).

ب) فرهنگ سیاسی مشارکتی: در این نوع فرهنگ سیاسی، افراد جامعه به طور نسبی در کلیت نظام سیاسی (ساختار سیاسی و اداری)، نهادها (طرح خواستها و تقاضاها) و نیز داده‌ها (استراتژی‌ها، قوانین و طبقه بندی اولویت‌ها) نقش دارند و نسبت به رفتارهای نخبگان سیاسی حساس هستند. افراد خود را در جامعه سیاسی فعال قلمداد می‌کنند و از لحاظ روانی بر این باورند که می‌توانند بر تصمیمات نظام سیاسی تاثیر بگذارند (قوام، ۱۳۸۰: ۷۳). بنابراین، در این فرهنگ هم آگاهی و هم مشارکت وجود دارد. به باور برخی، این فرهنگ سیاسی در برخی نظام‌های دموکراتیک غربی که در آن تقسیم کار بالا و نهادهای پابرجا وجود دارد، غالب است. ج) فرهنگ سیاسی تبعی: در این نوع از فرهنگ سیاسی، ممکن است افراد از وجود نظام سیاسی و برخی آگاهی‌ها برخوردار باشند، اما به دلیل وجود مسائل امنیتی و ترس حاکم در دورن سیستم، تابع محض قدرت سیاسی می‌شوند. این فرهنگ با نظام‌هایی همخوانی دارد که در آن سطحی از انفکاک ساختاری و تقسیم کار وجود دارد اما مشارکت و توسعه سیاسی وجود ندارد (نقیب زاده، ۱۳۸۰: ۱۵۹). وجود

این نوع از فرهنگ سیاسی در زمان حکومت پاتریمونیال پهلوی دوم به خصوص پ از کودتای ۲۸ مرداد قابل انکار نیست.

حکومت پاتریمونیال به معنای گسترش حوزه خانوادگی حاکم است که در آن رابطه میان حاکم(شاه) و مقامات دولتی براساس اقتدار پدری و وابستگی فرزندی است. در مرکز این مدل این ایده وجود دارد که پدران و شوهران، کارفرمایان، معلمان و غیره همگی نماینده یا مدل کوچکی از قدرت دولتی هستند که تنها منافع نخبگان پاتریمونیال را نمایندگی می‌کند. به عبارت دیگر، این مدل، دولت را منبع یا نقطه تمرکز قدرت تصور می‌کند که در هر سطح یا حوزه‌ای نظیر خانواده دولت، آموزش، تولید و... یکسان است. بنابراین، سیستم پاتریمونیالیسم یک ساختار سیاسی است که به شدت غیررسمی بوده و خصلت شخصی دارد و در آن ساختار دولت ادامه حاکم و دربار محسوب می‌گردد. در پاتریمونیالیسم امتیازاتی از ناحیه دولت توزیع می‌شود که اگر دولت خصلت رانتهی بودن را نیز دارا باشد این امتیازات و مزایا تشدید خواهد شد و ویژگی‌های خاصی را دارا می‌شود که در یک جمع بندی کلی، عبارتند از:

وابستگی کامل نظام دیوانسالارانه به شخص پادشاه و فردی بودن روند تصمیم‌گیری که موجب شخصی شدن کامل اقتدار می‌گردد.

متاثر بودن پادشاه از اطرافیان و نزدیکان خود، لذا درباریان و مردم به منظور تقرب به شخص پادشاه و اثرگذاری بر تصمیمات وی همواره در التهاب نوعی مبارزه قدرت پنهان به سر می‌برند.

پادشاه به منظور تثبیت موقعیت و حفظ حاکمیتش به رقابت‌های پنهان و آشکار در اطراف خود دامن می‌زند و برای جلوگیری از شکل‌گیری قدرتی نمایان و خارج از سپهر حاکمیت اعضای خویش، همواره در اعطای مناصب به اطرافیان و گرفتن آن به میزان سرسپردگی افراد توجه دارد.

اتکا به نیروهای نظامی و مسلح و امنیتی؛ به نظر ماکس وبر این که تا چه حد یک قشون از ماهیت پاتریمونیال برخوردار است محکی صرفا اقتصادی دارد که این امر نیز ارتباط مستقیمی با تجهیز و تغذیه قشون از ذخایر و منابع حکمران برخوردار

می‌باشد. هر قدر این امر گسترده‌تر و کامل‌تر باشد به همان نسبت ارتش پاتریمونیال بدون قید و شرط در اختیار حاکم قرار دارد (و بر، ۱۳۷۴: ۳۵۸). بنابراین، بدون تردید ارتش ایران در دوران پهلوی ماهیتی پاتریمونیال داشت چرا که در این دوران نظامیان از انواع حمایت‌های اقتصادی اعم از واگذاری زمین، وام‌ها و پاداش‌های کلان و مزایا برخوردار بودند.

حکومت مندی

تبار امروزی سیاست فرهنگی به نوعی به ظهور مفهوم حکومت مندی برمی‌گردد. ابتدا میشل فوکو (۱۳۹۶) این مفهوم را مطرح کرد و پس از او میشل دین (۱۳۹۶) و تونی بنت (۲۰۰۷) آن را بسط دادند. حکومت مندی واژه‌ای است که فوکو می‌سازد تا تکنیک‌ها و عقلانیت‌های گوناگونی را توصیف کند که دولت‌ها به کمک آنها خودشان را موظف به حفظ و بهبود شرایط زندگی شهروندانشان می‌کنند. خرد (مصلحت) دولت، پلیس و در نیمه دوم سده هجدهم، جمعیت، دریافت‌های متفاوتی بودند که از طریق آنها هنر حکومت کردن ساخته و پرداخته شد (میلر، ۱۳۸۴: ۲۵۳). منظور از کلمه حکومت مندی سه چیز است: نخست، مجموعه‌ای از نهادها، رویه‌ها، تحلیل‌ها و تاملات، محاسبه‌ها و تاکتیک‌هایی که اعمال این شکل کاملاً خاص و هرچند پیچیده قدرت را امکان پذیر می‌کنند؛ قدرتی که هدف اصلی اش جمعیت، شکل اصلی دانشش اقتصاد سیاسی و ابزار تکنیکی ذاتی اش سازوکارهای امنیت اند. دوم، گرایش و خط نیرویی که در سرتاسر غرب و از دیرباز، بی‌وقفه به سمت تفوق آن نوع از قدرتی رهنمون شد که می‌توان حکومت نامید؛ تفوق بر تمامی انواع دیگر قدرت، یعنی حاکمیت و انضباط که سبب تکوین و توسعه مجموعه کاملی از دستگاه‌ها و ابزارهای خاص حکومت و نیز تکوین و توسعه مجموعه کاملی از دانش‌ها شد. سرانجام، منظور از حکومت مندی عبارت است از فرایند یا نتیجه فرایندی که از طریق آن دولت عادل قرون وسطی که در سده پانزدهم و شانزدهم به دولت اداری بدل شده بود، به تدریج حکومت مند شد (فوکو، ۱۳۹۶: ۲۶۱). از دید فوکو حکومت تلاش‌هایی برای شکل دادن به وجوه رفتار

انسان بر طبق مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و هنجارهای خاص برای اهدافی مشخص صورت می‌دهد.

در ادامه کار فوکو، میشل دین مفهوم تحلیل حکومت را مطرح کرد. از نظر دین، سرشت حکومت مندی امروزی، اداره عمومی انسان است. حکومت امروزی، خواست افراطی به حکمرانی بر دیگران است؛ زیرا هیچ چیز نباید از کنترل و مدیریت قدرت سیاسی خارج شود. بر این اساس، حکومت ممکن است «هر نوع فعالیت کم و بیش حساب شده و عقلانی باشد که از سوی تعدادی از سازمان‌ها و موسسات با استفاده از تنوعی از تکنیک‌ها و اشکال دانش انجام می‌شود که سعی دارد از راه کارکردن روی خواسته‌ها، مطلوبات، علایق و باورهای نشگران گوناگون در راستای اهداف مشخص ولی رو به تغییر و با مجموعه متنوعی از پیامدها، اثرات و تبعات نسبتاً پیش بینی نشده، رفتار را شکل دهد» (دین، ۱۳۹۶: ۶۶)؛ به عبار دیگر، اساس حکومت کردن بر دیگران این است که افراد و جمع‌ها چه کسی باید باشند. دین مفهوم تحلیل حکومت را برای تحلیل کردارهایی به کار می‌برد که سعی دارند انتخابات، مطلوبات، خواسته‌ها، نیازها، تمایلات و سبک‌های زندگی افراد و گروه‌ها را شکل دهند، بسیج کنند، الگومند سازند و روی آنها کار کنند؛ بنابراین، دیدگاهی است که سعی دارد سؤالات حکومت، سیاست و مدیریت را به فضای بدن‌ها، حیات‌ها، خودها و افراد پیوند بزند (دین، ۱۳۹۶: ۷۰).

در ادامه این مسیر مبنای اصلی نظریه تونی بنت، روایت فوکو درباره تاریخ حکومت مند شدن دولت در غرب و تعریف دین از حکومت‌مندی است (بنت، ۲۰۰۷). بنت در مقاله فرهنگ و حکومت‌مندی، تعریف دین از حکومت را مفروض می‌گیرد و مؤلفه فرهنگ را به آن می‌افزاید؛ زیرا از دید او، دین جایگاه فرهنگ را در تحلیل دولت و حکومت مشخص نکرده است و به مفهوم فرهنگ یا چگونگی نقش آن در تجزیه و تحلیل دولت اشاره‌ای نمی‌کند (بنت، ۲۰۰۷: ۶۲۲). بنت با این کار، دوباره مطالعات فرهنگی را به طور عام در امتداد کار فوکو و به طور خاص در جنبش جدید مطالعات سیاست فرهنگی در جامعه غربی (بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰) تجهیز کرد (وانگ، ۲۰۱۷: ۲۱۵). همان گونه

که مک گویگان (۱۳۸۸) نیز اشاره می‌کند، چشم انداز فوکوئی - بنتی، به ویژه با توجه به میانجیگری گفتمانی کردارهای اجتماعی و پیوند دانش و قدرت، ابزارهای تحلیلی مناسبی را برای تحلیل جایگاه فرهنگ در دوران پس از مدرنیته و ارتباط سلطه - هژمونی - حکومت‌مندی (گفتمان) با قدرت در قالب مفهوم سیاست فرهنگی در اختیار قرار می‌دهد.

سیاست فرهنگی

در هر حال، فرهنگ چه در معنای شیوه زندگی آنگونه که در انسان شناسی فرهنگی تعریف می‌شود، چه در مقام پدیده اجتماعی مدنظر جامعه شناسان فرهنگ، چه به منزله فرایندهای معناسازی مدنظر جامعه شناسی فرهنگی و چه در مقام امری سیاسی آنگونه که در مطالعات فرهنگی بدان نگریسته می‌شود، دیگر همچون دوران پیشامدرن فهمیده نمی‌شود. فرهنگ در دنیای مدرن برخلاف دنیای پیشامدرن دیگر امری مستقل، ناخودآگاه، خود به خودی و پیشبینی نیست؛ بلکه مقوله‌ای کم و بیش آگاهانه، سازمان یافته و در چارچوب نظام سیاسی دولت-ملت‌هاست (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۱۴). انگاره‌های نظری امروزی درباره فرهنگ، دیگر فرهنگ را امری از پیش تعیین شده، تغییر ناپذیر و مستقل فرض نمی‌کنند؛ بلکه فرهنگ قابلیت دستکاری، مدیریت و مهندسی را دارد؛ بنابراین، برای درک فرهنگ به گونه‌ای که با سیاست فرهنگی مرتبط باشد، ضروری است فرهنگ را بیشتر از آنکه کیفیتی در نظر بگیریم که از پیش داده شده است، منبعی بینگاریم که می‌توان آن را بسط و توسعه داد (روزنشتاین، ۱۳۹۶: ۳۰).

در تعریفی کلی، میلر و یودیس (۱۳۸۹) بین دو بعد زیبایی شناختی و انسان شناختی فرهنگ تمایز قائل می‌شوند. در جهان زیبایی شناسانه، فرهنگ نشان دهنده تفاوت‌ها و شباهت‌ها در زمینه ذائقه و منزلت درون گروه‌های اجتماعی است و بعد انسان شناختی فرهنگ بر شیوه زندگی و چگونگی زیستن ما ناظر است و با آن دسته از معانی مکانی و شخصی که ما را انسان می‌سازند، مرتبط است. در این حالت، فرهنگ امری فردی و به طور مطلق جهان شمول نیست؛ بلکه از رهگذر زبان، مذهب، آداب و رسوم، زمان و فضا آموخته می‌شود؛ بنابراین، بعد زیبایی

شناختی تفاوت‌های درون جماعات را تشریح می‌کند. در مقابل، رویکرد انسان شناختی تفاوت‌های بین جماعات را تمییز می‌دهد و بررسی می‌کند (میلر و یودیس، ۱۳۸۹: ۲۵).

سیاست فرهنگی به منزله شکلی از سیاست گذاری اجتماعی، قرائت بشری است که ایجاب می‌کند به منافع خاص خدمت کند و نقش‌های خاص مسلمی را بر عهده گیرد. در اینجا باز هم مفهوم قدرت بنیادین است؛ در واقع همه سیاست‌ها (از جمله سیاست فرهنگی) حاصل قدرت اند؛ چون صورت بندی می‌شوند تا به اهداف سیاست فرهنگی، پروراندن هویت‌های اجتماعی و فرهنگی خاص و در نتیجه، قالب بندی شهروند کاملاً اجتماعی و سازگار است یا به عبارت دقیق‌تر آن دسته از تناقضات و مشکلات قانونی که که سیاست‌گذاری فرهنگ با آنها دست و پنجه نرم می‌کند، با ادعای ضرور حفاظت و تقویت هویت جامعه‌ای معین حل و فصل شده‌اند؛ بنابراین، جامعه به طور معمول یک ملت تصور شده و در نتیجه، دولت - ملت، بازیگر اصلی دخالت در امور فرهنگی بوده است.

سیاست فرهنگی در این معنا پدیده‌ای امروزی و در ارتباط با دولت - ملت سازی است. در مجموع، سیاست فرهنگی را می‌توان طیف وسیعی از فعالیت‌هایی تصور کرد که دولت‌ها در عرصه فرهنگ انجام می‌دهند یا انجام نمی‌دهند. مجموعه‌ای از فعالیت‌ها که دولت‌ها ارزش حمایت از آنها را درک کرده اند نیز ممکن است به تصویری از ارزش‌ها یا ایدئولوژی‌ها بپردازند که دولت‌ها از آنها پشتیبانی می‌کنند. این امر به طور قطع محصول انتخاب‌های سیاسی میان طیف وسیعی از اشکال بالقوه و سطوح حمایتی است که دولت‌ها فراهم می‌کنند. در این شکل تحلیلی، سیاست فرهنگی تنها چیزی است که دولت‌ها اظهار می‌دارند که آن را به منزله محور مطالعه به مجموعه‌ای از اقدامات، سازمان‌ها و انتخاب‌های خاص کشور اختصاص دهند (گری، ۲۰۱۲: ۲۱۴-۲۱۵).

نظریه گفتمان، باز سیاسی کننده حوزه فرهنگ است؛ در این معنا، ایجاد فضای گفتمانی و جهت دهی به رفتارهای فرهنگی به وسیله این فضا، از مهمترین دستاوردهای نظریه گفتمان در بررسی فرهنگ است (اشتریان، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

درباره سیاست گذاری فرهنگی یکی از عمده ترین موضوعات این است که سیاست گذاری فرهنگی بتواند در درجه اول، در سطحی کلان مفاهیم اساسی هویتی یک فرهنگ را ارائه کند؛ در درجه دوم، مفاهیم و جهت گیری های جانبی آن را شکل دهد؛ در درجه سوم، مرزهای فرهنگی را تصریح کند و در درجه چهارم، از درون آن اعمال، رفتار، جریان ها، فعالیت ها و سیاست های فرهنگی ویژه ای را مطابق با مفاهیم مرکزی گفتمان فرهنگی هدایت یا ارائه کند (اشتریان، ۱۳۹۱: ۱۳۳). این امر در قالب نظریه گفتمان تحقق پذیر است. مک گوئیگان در کتاب بازاندیشی در سیاست فرهنگی، پیوند گفتمان و سیاست فرهنگی را بررسی کرده است. او به تأسی از نظریه گفتمان، صورت بندی گفتمانی سیاست فرهنگی را در قالب گونه شناسی گفتمان های سیاست فرهنگی، یعنی دولتی، بازاری و ارتباطی - مدنی مطرح و بیان می کند که این سه گفتمان گونه های متنوعی دارند و به هیچ وجه از لحاظ درونی یکدست و واحد نیستند.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از دیدگاه هدف، بنیادی است و رویکرد استفاده شده در این پژوهش نیز، رویکرد کیفی است. جامعه این پژوهش، همه مقالات و پایان نامه های منتشر شده در سال های ۱۳۸۰-۱۴۰۰ است. تعداد این منابع تقریباً ۶۰ عنوان است. بر همین اساس حجم نمونه هدفمند این پژوهش ۱۰ مقاله و پایان نامه منتشر شده در سال های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ است. همانطور که گفته شد برای انتخاب یک نمونه هدفمند معیارهایی توسط پژوهشگر در نظر گرفته می شود. شرایط اعمال شده برای انتخاب نمونه این پژوهش به شرح زیر است:

موضوع تمامی مقالات و پایان نامه های انتخاب شده دوره پهلوی دوم است، به عبارت دیگر موضوع این منابع بررسی جنبه ای از ابعاد مختلف حکومت و دوره پهلوی دوم بوده است که می توانستند شامل نمونه این پژوهش شوند. تلاش شده است تا منابعی که به صورت ویژه بر بحث اقتصاد و فرهنگ تکیه کرده اند، در اولویت قرار بگیرند. داده های مقاله به روش کتابخانه ای و مرور منابع گردآوری شده اند. سایت ایرانداک،

SID، نورمگز و... از مهمترین ابزارهای انتخاب مقاله و پایان نامه‌ها بررسی شده بودند.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی

سال انتشار	تعداد منابع مورد استفاده	توع	تعداد صفحات	تعداد نویسندگان	دانشگاه	وضعیت تالیف	عنوان مقاله یا پایان‌نامه
۱۳۸۱	۴۳	پایان نامه	۲۰۰	۱	تهران	تالیف	۱) فرهنگ، توسعه و اقتصاد سیاسی نفت در دوره پهلوی دوم
۱۳۹۴	۶۳	پایان نامه	۱۴۰	۱	اراک	تالیف	۲) تحلیل مصوبات فرهنگی مجلس شورای ملی در دوره پهلوی دوم
۱۳۹۵	۱۳۰	پایان نامه	۱۲۳	۱	اراک	تالیف	۳) بررسی و تحلیل قدرت نرم در حکومت پهلوی (کامیابی و ناکامی‌ها)
۱۳۹۱	۹۰	پایان نامه	۱۳۶	۱	شاهرود	تالیف	۴) عملکرد فرهنگی آمریکا در دوره پهلوی دوم
۱۳۹۶	۱۲۴		۱۳۴	۱	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	تالیف	۵) تحلیل عملکرد و ساختار موسسات علمی و فرهنگی ایران در دوره پهلوی دوم مطالعه موردی: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها و مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی

۱۳۸۹	۷۷		۱۷۲	۱	تهران	تالیف	۶) اصل چهار ترومن و تاثیر آن بر اقتصاد دوره پهلوی دوم
۱۳۹۴	۱۰۵	پایان نامه	۲۳۳	۱	علم و فرهنگ	تالیف	۷) عوامل تاثیر گذار بر تغییرات مد و لباس دوره پهلوی اول و دوم (۱۳۰۴-۱۳۵۷ هجری خورشیدی)
۱۳۹۵	۳۱	مقاله	۱۳	۳	فصلنامه پژوهش‌های تاریخی	تالیف	۸) سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی دوم در زمینه صنعت با تاکید بر روابط ایران و آلمان (۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ش)
۱۴۰۰		مقاله	۵۲	۳	پژوهش‌های اقتصادی ایران	تالیف	۹) نهادها و رشد اقتصادی (تحلیلی بنیادین از موانع نهادی تداوم رشد اقتصادی ایران عصر پهلوی دوم)
۱۳۹۸	۱۰۰	مقاله	۲۴	۱	فصلنامه تاریخ اسلام و ایران	تالیف	۱۰) پیوستگی اقتصادی - سیاسی رویدادهای فرهنگی در عصر پهلوی دوم (جشن‌های ۲۵۰۰ ساله)

یافته‌های پژوهش

با تحلیل محتوای ۱۰ منبع مورد بررسی در مجموع ۱۹۳ مقوله فرعی و ۱۲۶ مقوله استخراج شد که در جدول زیر آمده است.

جدول ۲. مقولات فرعی و مقولات اصلی تحقیق (ابر مفهوم: اقتدار اقتصاد بر فرهنگ)

مقولات اصلی	مقولات فرعی
شخصیت قدرت طلب و مستبد شخصیت وابسته و غرب زده شخصیت خودشیفته و متعصب تصمیم گیری غیرمنطقی بی خبری از معیشت مردم بی اعتمادی و شکاکیت	قدرت طلبی شاه در سطح داخلی و منطقه (۸) قدرت مطلقه شاه و عدم انتقاد از عملکرد شاه (۲) شخصیت وابسته و غرب زده شاه (۲) تسلط شاه در تمامی امور خودشیفتگی شاه (۲) غرور و تعصب شاه (۲) بی خبری شاه از وضعیت دقیق کشور، عدم تسلط بر اقتصاد و تصمیمات غیرمنطقی شاه (۳) بی اعتمادی به نهادها برای پیشبرد کارها
استقرار نظام ارزشی و رفتاری جدید	استقرار نظام ارزشی و رفتاری جدید
نگرش جماعتی	نگرش جماعتی
فرصت طلبی	فرصت طلبی
نگرش به دولت به عنوان ارباب بزرگ	نگرش به دولت به عنوان ارباب بزرگ
حکومت استبدادی و بسته	سرکوبگری و حذف مخالف (۲) استبداد و ایجاد خفقان در جامعه (۶) حکومت نظامی اخراج و سرکوب مخالفان (۴) حکومت مطلقه
سرکوب مخالف تک صدایی کنترل شدید	سانسور شدید، تقویت دستگاه سانسور و محدودیت فعالیت مطبوعات و رسانه (۵) ممنوعیت انتشار روزنامه‌ها و تک صدایی (۲) ممنوع القلم شدن نویسندگان ممانعت از رشد آگاهی و اندیشه استفاده ابزاری از مطبوعات (۲) تفکر کنترل گری

	کنترل و نظارت شدید بر محیط‌های آموزشی، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی (۳)
ترویج شاه پرستی و تقدیس آن	ترویج شاه دوستی و شاه پرستی در رسانه (۳) تقدیس شاهنشاهی (۲)
ترویج فساد و بی بندوباری در تمام شئون اجتماعی و اخلاقی	ترویج فساد و بی بندوباری در نسل جوان، تبلیغ، تقویت، رشد و گسترش فساد اخلاقی، اداری و اقتصادی (۷)
تسلط سانسور و دروغ در جامعه	تحکیم رژیم با دروغ و سانسور
افراط گرایی	افراط گرایی
تلاش برای بازگشت به تاریخ و هویت باستانی تلاش برای تغییر دین و آئین مردم	ترویج ملی گرایی، ایران گرایی، ایرانی گرایی، باستان گرایی و ناسیونالیسم (۲۰) جشن‌های ۲۵۰۰ ساله (۲) احیای ملیت ایرانی و هویت فرهنگی باستان گرا توجه به تاریخ ایران و زبان فارسی (۴) تاسیس بنیاد شاهنامه حفظ الگوهای سنتی ایران تغییر تاریخ هجری به شاهنشاهی و ایجاد تقویم مستقل (۴) احیای ارزش‌های ملی و میهنی با تشکیل کنگره بین المللی هزاره فردوسی تلاش برای تغییر دین و آیین مردم ترویج باستان شناسی
سرمایه گذاری روی نسل جوان و کودک با استفاده از دانش غربی	توسعه دانشگاه‌ها، تبادل دانشجو و اعزام دانشجو به خارج (۳) استفاده از معلمان خارجی و تبادل آثار فرهنگی با خارج (۲) سرمایه گذاری روی نسل جوان تربیت افکار کودکان با خواسته‌های فرح تاسیس سازمان پرورش افکار تاکید بر یادگیری زبان انگلیسی
نفوذ و تسلط آمریکا در تصمیم گیری‌ها و سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران حمایت آمریکا برای دین زدایی	اعتماد به آمریکا برای رهایی از انگلیس استخدام مستشاران آمریکایی دخالت و نفوذ آمریکایی‌ها در تمام شئون زندگی مردم (۲) تسلط سیاست خارجی آمریکا در روابط فرهنگی ارتباط و تقویت روابط فرهنگی با آمریکا (۲) پر کردن خلا فرهنگی با ترجمه آثار آمریکایی

حمایت دو جانبه ایران و آمریکا برای حفظ منافع	<p>راه اندازی رادیو و صدای آمریکا، تسلط آمریکا با برنامه‌های رادیویی (۲)</p> <p>تاسیس مدارس آمریکا با هدف مخالفت با اسلام</p> <p>وابستگی به آمریکا و غرب در تمامی امور به‌ویژه اقتصاد (۸)</p> <p>تأکید بر روابط و حفظ منافع آمریکا (۲)</p> <p>ورود نیروی انسانی، پول و انواع ماشین از طرف آمریکا</p> <p>تاسیس بنیاد ایران در آمریکا</p> <p>توسعه روابط با غرب</p> <p>افزایش سرمایه گذاری آمریکا در کشور</p> <p>افزایش روابط ایران و آمریکا</p> <p>تحکیم رژیم پهلوی و موقعیت آمریکا</p>
دیپلماسی فرهنگی با سایر کشورهای منطقه	<p>تقویت روابط فرهنگی و علمی با شوروی</p> <p>تقویت روابط فرهنگی و گردشگری با عمان</p>
تضعیف و غفلت از هویت دینی استفاده ابزاری و نمایشی از دین	<p>تضعیف روحانیت و ایجاد شکاف بین هویت ملی و دینی (۲)</p> <p>غفلت از فرهنگ سنتی و مذهبی (۴)</p> <p>استفاده ابزاری از دین</p>
افزایش مخالفت روحانیون، دانشجویان و مردم	<p>مخالفت روحانیون و توده مردم با شاه</p> <p>مخالفت روحانیون با انقلاب سفید</p> <p>مخالفت مردم با تغییر تقویم</p> <p>تقابل دانشجویان با دولت</p>
ایجاد طبقه متوسط از میان برداشتن حکمرانان محلی	<p>ایجاد طبقه متوسط</p> <p>از میان برداشتن حکمرانان محلی</p>
منع، مخالفت و مقابله با حجاب و ممنوعیت خدمات اجتماعی و آموزشی به زنان باحجاب ترویج بی‌حجابی و ارائه تصویر غلط از حجاب	<p>منع، مخالفت و مقابله با حجاب و ممنوعیت خدمات اجتماعی و آموزشی به زنان باحجاب (۱۰)</p> <p>ترویج بی‌حجابی و ارائه تصویر غلط از حجاب (۳)</p>
شاه محوری کاریزماتیک و وابستگی گروه‌های اجتماعی و ائتلاف‌ها به شاه وابستگی نخبگان به دربار	<p>شاه محوری کاریزماتیک و وابستگی گروه‌های اجتماعی و ائتلاف‌ها به شاه (۲)</p> <p>وابستگی نخبگان به دربار</p>
نفوذ و ترویج ارزش‌های لیبرال مانند آزادی و تساوی زن و مرد	<p>نفوذ و ترویج ارزش‌های لیبرال مانند آزادی و تساوی زن و مرد (۲)</p>

تصفیه زبان فارسی از کلمات بیگانه استفاده ابزاری از ادبیات مکتوب	تصفیه زبان فارسی از کلمات بیگانه استفاده ابزاری از ادبیات مکتوب
تحقیر مردم توسط آمریکایی‌ها	تحقیر مردم توسط آمریکایی‌ها
بحران مشروعیت تلاش برای رفع بحران مشروعیت با کمک آمریکا، تقویت نظام سرمایه داری و ناسیونالیسم	تقویت پایه‌های سلطنت با مشروعیت بخشی (۲) ناسیونالیسم ابزاری برای مشروعیت بخشی و توسعه فرهنگی انجام تحقیقات و حمایت از مراکز علمی جهت رفع بحران مشروعیت (۳) پناه بردن به آمریکا جهت مشروعیت تلاش برای جذب مردم تقویت نظام سرمایه داری تقویت وجه ملی شاه و تظاهر به ایران دوستی (۲)
تاسیس دولت اقتدارگرا	تاسیس دولت اقتدارگرا
ترویج و پذیرش مصرف گرایی، مدگرایی، برندگرایی و راحت طلبی غربی ضربه خوردن اقتصاد به وسیله مد و پوشش جدید زنان	ترویج و پذیرش مصرف گرایی، مدگرایی، برندگرایی و راحت طلبی غربی (۱۳) تغییر شیوه زندگی مردم و تغییر الگوی مصرف (۲) رشد چشم و هم چشمی و مدگرایی (۲) عدم توجه به قدرت خرید مردم عدم توان تولید داخلی در بحث مد و برندگرایی رشد شاغلین در بخش لباس‌های اروپایی ضربه خوردن اقتصاد به وسیله مد و پوشش جدید زنان (۲) تاثیر پذیری نسل جوان از هنرمندان و الگوپذیری از چهره‌های معروف (۲)
ترویج فرهنگ غربی با استفاده ابزاری از زنان ترویج سبک زندگی و فرهنگ غربی مخالفت با مذهب و اسلام	ترویج فرهنگی غربی با تاکید بر زنان استفاده ابزاری از زنان (۲) دو دستگی بین زنان انقلاب گرایی به مواد آرایشی و بهداشتی در زنان الگو شدن هنرمندان زن غربی ترویج زندگی غربی (۸) راه‌اندازی انقلاب سفید

دین زدایی و ترویج فرهنگ غرب و مسیحیت حذف ایدئولوژی و مذهب تضعیف فرهنگ بومی و پذیرش تفکرات غربی مجاز بودن سقط جنین احیای ایران باستان در سایه ارزش‌های غربی راه‌اندازی مراکز با هدف تعریف هویت جدید ایرانی	دین زدایی و ترویج فرهنگ غرب و مسیحیت (۱۲) حذف ایدئولوژی و مذهب (۳) تضعیف فرهنگ بومی و پذیرش تفکرات غربی (۲) مجاز بودن سقط جنین ترویج ارزش‌های غربی با قدرت رسانه هدایت افکار عمومی توسط مستشاران غربی احیای ایران باستان در سایه ارزش‌های غربی راه‌اندازی مراکز با هدف تعریف هویت جدید ایرانی (۳) تقلید شهرنشینان از غرب
تجدد گرایی	تجدد گرایی
تفکیک بین اندیشمندان و تفرقه بین روشنفکران	تفکیک بین اندیشمندان و تفرقه بین روشنفکران (۲)
هویت یکپارچه با راه‌اندازی مؤسسات آموزشی	هویت یکپارچه با راه‌اندازی مؤسسات آموزشی
همزیستی فرهنگ سنتی و فرهنگ نوین	همزیستی فرهنگ سنتی و فرهنگ نوین
فعالیت در زمینه میراث فرهنگی ایران باستان و تمدن‌های جهان	معرفی میراث فرهنگی و تمدن‌های جهان با زبان هنر و رسانه فعالیت‌های علمی و فرهنگی در حوزه ایران باستان و میراث‌های ایرانی و اسلامی حفظ میراث فرهنگی ایران
توجه به تحقیق و پژوهش به کارگیری سیاست‌های حمایتی توجه به ادبیات تاریخی	فراهم کردن زمینه تحقیق برای پژوهشگران و تاسیس کتابخانه‌های تخصصی (۲) لغو هزینه گمرک برای کتاب توجه به مبحث آموزش (۲)
دیپلماسی فرهنگی	دیپلماسی فرهنگی (۲)
تربیت و آموزش نمایندگان و روسا سازمان‌ها	تربیت و آموزش نمایندگان و روسا سازمان‌ها
تبعیت از ایدئولوژی مدرنیسم و پاتریمونالیسم	تبعیت از ایدئولوژی مدرنیسم و پاتریمونالیسم
شکل‌گیری رانت در دولت و وابستگی به آن	شکل‌گیری رانت در دولت و وابستگی به آن (۲)

بی اطلاعی مردم سرپوش گذاشتن بر فساد و غارتگری	بی اطلاعی مردم سرپوش گذاشتن بر فساد و غارتگری
اشرافی گری	اشرافی گری
بحران هویت با تحولات مدرنیزاسیون	بحران هویت با تحولات مدرنیزاسیون
نفت پاشنه آشیل توسعه اقتصادی و قدرت در منطقه تک محصولی شدن اتکای بیش از اندازه به نفت	افزایش استقلال مالی و قدرت سیاسی با فروش نفت افزایش بودجه فرهنگ و تغییرات فرهنگی و اجتماعی با افزایش فروش نفت (۲) اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی و وابستگی حیات صنایع به نفت (۳) عدم توجه به درآمدهای مالیاتی و اقتصاد تک محصولی (۲) صادرات و فروش نفت و قدرت گیری شاه با درآمدهای نفتی (۲) رهبری اپک توسط شاه استفاده سیاسی از درآمد نفتی جلوگیری از انباشت سرمایه در کشور
ظهور گفتمان اسلام گرایی، بازسازی و نوسازی اندیشه‌های دینی توسط روحانیت	ظهور گفتمان اسلام گرایی، بازسازی و نوسازی اندیشه‌های دینی توسط روحانیت (۲)
عدم مشارکت مردم	عدم مشارکت مردم
گسترش سرمایه گذاری‌های خارجی و کمک‌های مالی سلطه پذیری از غرب تحمیل هزینه‌های مبادله از سوی غرب	گسترش سرمایه گذاری‌های خارجی و کمک‌های مالی سلطه پذیری از غرب تسلط انگلیس و روسیه بر کشور تحمیل هزینه‌های مبادله از سوی غرب
استفاده از رسانه برای تثبیت و نمایش قدرت ایران در منطقه	استفاده از رسانه برای تثبیت و نمایش قدرت ایران در منطقه
نبود اراده ملی	نبود اراده ملی
غفلت از تداوم و تسلسل چرخه تولید نبود خلاقیت و ابتکار	غفلت از تداوم و تسلسل چرخه تولید نبود خلاقیت و ابتکار
رشد بروکراسی و دیوانسالاری رشد ردیلت‌های اخلاقی مثل رشوه و قدرت پرستی	رشد بروکراسی و دیوانسالاری (۲) رشد ردیلت‌های اخلاقی مثل رشوه و قدرت پرستی
تبعیت محض از حاکم و تسلط فرهنگ آمریت و تبعیت	تبعیت محض از حاکم و تسلط فرهنگ آمریت و تبعیت (۲)

تلفیق فرهنگ سنتی، دولتی و وارداتی	تلفیق فرهنگ سنتی، دولتی و وارداتی
افزایش مهاجرت عشایر و روستائیان به شهرها و تخلیه روستاها شکل‌گیری خشونت انباشته در شهرها و تداوم منازعات اجتماعی (۲)	افزایش مهاجرت عشایر و روستائیان به شهرها و تخلیه روستاها (۶) شکل‌گیری خشونت انباشته در شهرها و تداوم منازعات اجتماعی (۲)
قحطی و گرسنگی مردم درخواست کمک مالی از آمریکا و کمک از آمریکا برای مقابله با قحطی (۲)	قحطی و گرسنگی مردم درخواست کمک مالی از آمریکا و کمک از آمریکا برای مقابله با قحطی (۲)
رشد رشته‌های صنعتی با مشارکت شرکت‌های خارجی و شتابزدگی در توسعه صنعتی جاه طلبی شاه در برنامه‌های صنعتی و صنعتی شدن تسلط و دخالت دولت و دربار در سرمایه‌گذاری صنایع	رشد رشته‌های صنعتی با مشارکت شرکت‌های خارجی و شتابزدگی در توسعه صنعتی (۲) جاه طلبی شاه در برنامه‌های صنعتی و صنعتی شدن (۲) تسلط و دخالت دولت و دربار در سرمایه‌گذاری صنایع (۴)
وابستگی دولت به دربار	وابستگی دولت به دربار
رشد طرح و برنامه‌های اقتصادی بر اساس اصل چهار ترومن	رشد طرح و برنامه‌های اقتصادی بر اساس اصل چهار ترومن
نزدیک شدن کشورهای غربی به ایران	نزدیک شدن کشورهای غربی به ایران
سیاست گذاری اقتصادی خارج از ظرفیت‌های کشور و رشد ناهمگون صنایع و اقتصاد (۲) روبایهای بلندپروازنه اقتصادی و نداشتن سیاست اقتصادی مناسب (۲) رشد و تداوم نهادهای بهره‌کش در اقتصاد	سیاست گذاری اقتصادی خارج از ظرفیت‌های کشور و رشد ناهمگون صنایع و اقتصاد (۲) روبایهای بلندپروازنه اقتصادی و نداشتن سیاست اقتصادی مناسب (۲) رشد و تداوم نهادهای بهره‌کش در اقتصاد
سلطه سیاست بر فرهنگ	سلطه سیاست بر فرهنگ
عدم مصرف پول نفت در اقتصاد داخلی و صرف درآمدهای نفتی به دخالت‌های نظامی در کشورهای دیگر	عدم مصرف پول نفت در اقتصاد داخلی و صرف درآمدهای نفتی به دخالت‌های نظامی در کشورهای دیگر (۲)
حذف مبلغین و دیپلمات‌های فرزانه	حذف مبلغین و دیپلمات‌های فرزانه

عدم توجه به جنبه‌های انسانی و اصلاحات اجتماعی غفلت از حقوق انسانی فقدان حاکمیت قانون و بی توجهی به قانون	عدم توجه به جنبه‌های انسانی و اصلاحات اجتماعی غفلت از حقوق انسانی فقدان حاکمیت قانون و بی توجهی به قانون (۲)
احساس تحقیر و شکست خوردگی از بین بردن اعتماد به نفس مردم و بی‌هویت کردن جامعه تحمیل روحیه حقارت و تسلیم پذیری در مردم	احساس تحقیر و شکست خوردگی از بین بردن اعتماد به نفس مردم و بی‌هویت کردن جامعه (۲) تحمیل روحیه حقارت و تسلیم پذیری در مردم
عدم استقلال اقتصادی	عدم استقلال اقتصادی
افزایش تمایل به مشاغل دولتی	افزایش تمایل به مشاغل دولتی
سرمایه گذاری اقتصادی و رشد صنایع بدون توسعه زیرساخت‌ها	سرمایه گذاری اقتصادی و رشد صنایع بدون توسعه زیرساخت‌ها
رشد نهادهای اقتصادی تحت نفوذ غرب و تسلط نیروهای خارجی رشد صنایع مختلف و صنایع وابسته به تکنولوژی غرب	رشد نهادهای اقتصادی تحت نفوذ غرب و تسلط نیروهای خارجی (۲) رشد صنایع مختلف و صنایع وابسته به تکنولوژی غرب (۲)
سیطره روابط شخصی و غیر رسمی در تمامی امور دخالت نظامیان در امور سیاسی و اقتصادی	سیطره روابط شخصی و غیر رسمی در تمامی امور (۶) دخالت نظامیان در امور سیاسی و اقتصادی
گسترش ادبیات تمجیدی از صاحبان قدرت رواج تزویر و دورویی به زبان و فرهنگ	عدم شفافیت به دلیل تملق گویی رشد تملق و چاپلوسی در مسئولان (۲) گسترش ادبیات تمجیدی از صاحبان قدرت رواج تزویر و دورویی به زبان و فرهنگ
جلوگیری از انقلاب دهقانی غفلت از بخش کشاورزی در اقتصاد	غفلت از بخش کشاورزی در اقتصاد (۲) واردات مواد غذایی به روستاها بی زمین شدن نیمی از روستائیان تبدیل کشاورزان به کارگران کشاورزی و شکستن وحدت کشاورزان (۲) جلوگیری از انقلاب دهقانی

جدول ۳. مفاهیم مدل پارادایمی

شرایط علی	شرایط زمینه‌ای	شرایط مداخله‌گر	راهبردها	پیامدها
سرمایه‌گذاری اقتصادی و رشد صنایع بدون توسعه زیرساخت‌ها	افزایش تمایل به مشاغل دولتی	رشد رشته‌های صنعتی با مشارکت شرکت‌های خارجی و شتابزدگی در توسعه صنعتی جاه‌طلبی شاه در برنامه‌های صنعتی و صنعتی شدن تسلط و دخالت دولت و دربار در سرمایه گذاری صنایع	عدم استقلال اقتصادی	گسترش ادبیات تمجیدی از صاحبان قدرت
سیطره روابط شخصی و غیر رسمی در تمامی امور دخالت نظامیان در امور سیاسی و اقتصادی	عدم توجه به جنبه‌های انسانی و اصلاحات اجتماعی غفلت از حقوق انسانی فقدان حاکمیت قانون و بی توجهی به قانون	سرمایه‌گذاری روی نسل جوان و کودک با استفاده از دانش غربی نفوذ و تسلط آمریکا در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران حمایت آمریکا برای دین‌زدایی حمایت دو جانبه ایران و آمریکا برای حفظ منافع	افزایش مهاجرت عشایر و روستائیان به شهرها و تخلیه روستاها شکل‌گیری خشونت انباشته در شهرها و تداوم منازعات اجتماعی	رواج تزویر و دورویی به زبان و فرهنگ
نبود اراده ملی	تفکیک بین اندیشمندان و	تحقیر مردم توسط آمریکایی‌ها	حذف مبلغین و دیپلمات‌های فرزانه	رشد نهادهای

اقتصادی تحت نفوذ غرب و تسلط نیروهای خارجی			تفرقه بین روشنفکران	
قحطی و گرسنگی مردم درخواست کمک مالی از آمریکا و کمک از آمریکا برای مقابله با قحطی	تربیت و آموزش نمایندگان و روسا سازمانها	نزدیک شدن کشورهای غربی به ایران	ترویج فرهنگ غربی با استفاده ابزاری از زنان ترویج سبک زندگی و فرهنگ غربی مخالفت با مذهب و اسلام	غفلت از تداوم و تسلسل چرخه تولید نبود خلاقیت و ابتکار
احساس تحقیر و شکست خوردگی از بین بردن اعتماد به نفس مردم و بی‌هویت کردن جامعه تحمیل روحیه حقارت و تسلیم پذیری در مردم	فعالیت در زمینه میراث فرهنگی ایران باستان و تمدن‌های جهان		شخصیت قدرت طلب و مستبد شخصیت وابسته و غرب زده شخصیت خود شیفته و متعصب تصمیم گیری غیرمنطقی	رشده بروکراسی و دیوانسالاری رشده رذیلت‌های اخلاقی مثل رشوه و قدرت پرستی

			بی خبری از معیشت مردم بی اعتمادی و شکاکیت	
تبعیت محض از حاکم و تسلط فرهنگ آمریت و تبعیت	توجه به تحقیق و پژوهش به کارگیری سیاست‌های حمایتی توجه به ادبیات تاریخی		نگرش جماعتی	سبب سیاست گذاری اقتصادی خارج از ظرفیت‌های کشور و رشد ناهمگون صنایع و اقتصاد روباهای بلند پروازنه اقتصادی و نداشتن سبب سیاست اقتصادی مناسب رشد و تداوم نهادهای بهره‌کش در اقتصاد
تلفیق فرهنگ سنتی، دولتی و وارداتی	شکل‌گیری رانت در دولت و وابستگی به آن		فرصت طلبی	سلطه سیاست بر فرهنگ

<p>عدم مصرف پول نفت در اقتصاد داخلی و صرف درآمدهای نفتی به دخالت‌های نظامی در کشورهای دیگر</p>	<p>استفاده از رسانه برای تثبیت و نمایش قدرت ایران در منطقه</p>		<p>نگرش به دولت به عنوان ارباب بزرگ</p>	<p>گسترش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و کمک‌های مالی سلطه‌پذیری از غرب تحمیل هزینه‌های مبادله از سوی غرب</p>
<p>عدم مشارکت مردم</p>	<p>رشد طرح و برنامه‌های اقتصادی بر اساس اصل چهار ترومن</p>		<p>شاه محوری کاریزماتیک و وابستگی گروه‌های اجتماعی و ائتلاف‌ها به شاه وابستگی نخبگان به دربار</p>	<p>وابستگی دولت به دربار</p>
<p>افزایش مخالفت روحانیون، دانشجویان و مردم</p>	<p>هویت یکپارچه با راه اندازی موسسات آموزشی</p>		<p>تسلط سانسور و دروغ در جامعه</p>	<p>ظهور گفتمان اسلام‌گرایی، بازسازی و نوسازی اندیشه‌های دینی توسط روحانیت</p>
<p>حکومت استبدادی و بسته</p>	<p>همزیستی فرهنگ سنتی و فرهنگ نوین</p>			<p>تبعیت از ایدئولوژی</p>

				مدرنیسم و پاتریمونیاالیسم
افراط گرایی	دین زدایی و ترویج فرهنگ غرب و مسیحیت حذف ایدئولوژی و مذهب تضعیف فرهنگ بومی و پذیرش تفکرات غربی مجاز بودن سقط جنین احیای ایران باستان در سایه ارزش‌های غربی راه‌اندازی مراکز با هدف تعریف هویت جدید ایرانی			نفت پاشنه آشیل توسعه اقتصادی و قدرت در منطقه تک محصولی شدن
بحران مشروعیت تلاش برای رفع بحران مشروعیت با کمک آمریکا، تقویت نظام سرمایه داری و ناسیونالیسم	استقرار نظام ارزشی و رفتاری جدید			بی اطلاعی مردم سرپوش گذاشتن بر فساد و غارتگری
تاسیس دولت اقتدارگرا	دیپلماسی فرهنگی با سایر کشورهای منطقه			اشرافی گری
ترویج و پذیرش مصرف گرایی، مدگرایی، برندگرایی و راحت طلبی غربی	تضعیف و غفلت از هویت دینی استفاده ابزاری و نمایشی از دین			اتکای بیش از اندازه به نفت

ضربه خوردن اقتصاد به وسیله مد و پوشش جدید زنان				
تجدد گرایی	ایجاد طبقه متوسط از میان برداشتن حکمرانان محلی			
بحران هویت با تحوالات مدرنیزاسیون	منع، مخالفت و مقابله با حجاب و ممنوعیت خدمات اجتماعی و آموزشی به زنان باحجاب ترویج بی حجابی و ارائه تصویر غلط از حجاب			
	سرکوب مخالف تک صدایی کنترل شدید			
	ترویج شاه پرستی و تقدیس آن			
	ترویج فساد و بی بندباری در تمام شئون اجتماعی و اخلاقی			
	نفوذ و ترویج ارزش‌های لیبرال مانند آزادی و تساوی زن و مرد			
	تصفیه زبان فارسی از کلمات بیگانه			

	استفاده ابزاری از ادبیات مکتوب			
	تلاش برای بازگشت به تاریخ و هویت باستانی تلاش برای تغییر دین و آئین مردم			
	سرمایه گذاری روی نسل جوان و کودک با استفاده از دانش غربی			
	دیپلماسی فرهنگی			

نتیجه گیری

با توجه به مفهوم نهایی که از مدل پارادایمی تحقیق به دست آمد، آنچه که در جامعه ایران آن زمان در حال گذشتن بود چیزی جز اقتدار اقتصاد بر فرهنگ نبود. اقتصاد چنان تسلط مادی و معنوی بر فرهنگ داشت که بسیاری از مناسبات اخلاقی را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی از بین برده و یا کمرنگ کرده بود. عوامل موثر در این زمینه را می‌توان در سرمایه گذاری اقتصادی و رشد صنایع بدون توسعه زیرساخت‌ها، سیطره روابط شخصی و غیر رسمی در تمامی امور، دخالت نظامیان در امور سیاسی و اقتصادی، نبود اراده ملی، غفلت از تداوم و تسلسل چرخه تولید، نبود خلاقیت و ابتکار، رشد بروکراسی و دیوانسالاری، رشد رذیلت‌های اخلاقی مثل رشوه و قدرت پرستی، سیاست گذاری اقتصادی خارج از ظرفیت‌های کشور و رشد ناهمگون صنایع و اقتصاد، رویاهای بلندپروازنه اقتصادی و نداشتن سیاست اقتصادی مناسب، رشد و تداوم نهادهای بهره‌کش در اقتصاد، سلطه سیاست بر فرهنگ، گسترش سرمایه گذاری‌های خارجی و کمک‌های مالی، سلطه پذیری از غرب، تحمیل هزینه‌های مبادله از سوی غرب، وابستگی دولت به

دربار، تبعیت از ایدئولوژی مدرنیسم و پاتریمونیاالیسم، تک محصولی شدن، سرپوش گذاشتن بر فساد و غارتگری، اشرافی گری، اتکای بیش از اندازه به نفت دانست. البته این عوامل و علت‌ها نیاز به بستری برای رشد و نمو داشتند که می‌توان در عواملی چون افزایش تمایل به مشاغل دولتی، عدم توجه به جنبه‌های انسانی و اصلاحات اجتماعی، غفلت از حقوق انسانی، فقدان حاکمیت قانون و بی توجهی به قانون، تفکیک بین اندیشمندان و تفرقه بین روشنفکران، ترویج فرهنگ غربی با استفاده ابزاری از زنان، ترویج سبک زندگی و فرهنگ غربی، مخالفت با مذهب و اسلام، ویژگی‌های شخصیتی شاه مانند قدرت طلبی و مستبدبودن، غرب زده بودن، شخصیت خودشیفته و متعصب و تصمیم‌گیری غیرمنطقی، بی خبری از معیشت مردم، تسلط سانسور و دروغ در جامعه، شاه محوری کارزماتیک و وابستگی گروه‌های اجتماعی و ائتلاف‌ها به شاه، نگرش به دولت به عنوان ارباب بزرگ، بی اعتمادی و شکاکیت که بین ارکان نظام وجود داشت و... جستجو کرد.

ناگفته نماند که عواملی همچون رشد رشته‌های صنعتی با مشارکت شرکت‌های خارجی و شتابزدگی در توسعه صنعتی، جاه طلبی شاه در برنامه‌های صنعتی و صنعتی شدن، تسلط و دخالت دولت و دربار در سرمایه گذاری صنایع، سرمایه گذاری روی نسل جوان و کودک با استفاده از دانش غربی، نفوذ و تسلط آمریکا در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، حمایت آمریکا برای دین زدایی، حمایت دو جانبه ایران و آمریکا برای حفظ منافع، تحقیر مردم توسط آمریکایی‌ها و نزدیک شدن کشورهای غربی به ایران نیز در این وابستگی و تسلط اقتصاد بر فرهنگ دوره پهلوی دوم نقش به‌سزایی داشته است.

راهبردهایی که شاه برای دستیابی به اهداف اقتصادی و فرهنگی خود داشت بیشتر معطوف به فعالیت در زمینه میراث فرهنگی ایران باستان و تمدن‌های جهان، توجه به تحقیق و پژوهش در زمینه تاریخ، استفاده از رسانه برای تثبیت و نمایش قدرت ایران در منطقه، رشد طرح و برنامه‌های اقتصادی بر اساس اصل چهار ترومن، استقرار نظام ارزشی و رفتاری جدید، دیپلماسی فرهنگی با سایر کشورهای منطقه، تضعیف و غفلت از هویت دینی، ایجاد طبقه متوسط، سرکوب مخالف، کنترل شدید،

ترویج فساد و بی بندباری در تمام شئون اجتماعی و اخلاقی، نفوذ و ترویج ارزش‌های لیبرال مانند آزادی و تساوی زن و مرد، استفاده ابزاری از ادبیات مکتوب، تلاش برای بازگشت به تاریخ و هویت باستانی، تلاش برای تغییر دین و آئین مردم و سرمایه گذاری روی نسل جوان و کودک با استفاده از دانش غربی بود. پیامد و نتایج این اقدامات و تصمیم گیری‌های حاکمیت و دربار چیزی جز گسترش ادبیات تمجیدی از صاحبان قدرت، رواج تزویر و دورویی به زبان و فرهنگ، رشد نهادهای اقتصادی تحت نفوذ غرب و تسلط نیروهای خارجی، قحطی و گرسنگی مردم، از بین بردن اعتماد به نفس مردم و بی هویت کردن جامعه، تحمیل روحیه حقارت و تسلیم پذیری در مردم، تبعیت محض از حاکم و تسلط فرهنگ آمریت و تبعیت، عدم مصرف پول نفت در اقتصاد داخلی و صرف درآمدهای نفتی به دخالت‌های نظامی در کشورهای دیگر، حکومت استبدادی و بسته، ترویج و پذیرش مصرف گرایی، مدگرایی، برندگرایی و راحت طلبی غربی، ضربه خوردن اقتصاد به وسیله مد و پوشش جدید زنان، تجدد گرایی، بحران هویت با تحولات مدرنیزاسیون نبود.

منابع و مأخذ

- آزادبخت، فرزانه. (۱۳۹۴). *تحلیل مصوبات فرهنگی مجلس شورای ملی در دوره پهلوی دوم*. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه اراک.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۹). *نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم*. تهران. موسسه فرهنگی آینده پویان تهران.
- جهانگیری، سعید، طاهری، ابوالقاسم، ازغندی، علیرضا، ساعی، احمد. (۱۳۹۷). «دولت رانتیر، طبقه متوسط جدید و بی ثباتی سیاسی در عصر پهلوی دوم»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، شماره ۲۷، ۲۵-۷.
- حسینی، ح. (۱۳۹۶). *آسیب شناسی سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی. دانشگاه مازندران.

- حیدرپور کلیدسر، محمد، وثوقی، منصور، ساروخانی، باقر، ازکیا، مصطفی. (۱۳۹۷). «تحلیل جامعه‌شناختی مهم‌ترین مانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران (عصر پهلوی دوم)»، *فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۴۴-۱۰۷.
- خواجه‌پور، محبوبه. (۱۳۸۹). *اصل چهار ترومن و تاثیر آن بر اقتصاد دوره پهلوی دوم*. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- سرخانزاده، محمود. (۱۴۰۰). *بررسی وضعیت اقتصادی ایران در دوره پهلوی دوم با تاکید بر صادرات غیرنفتی*. گروه تاریخ. دانشگاه تهران جنوب.
- سلطانی احمدی، مجتبی، گوهری فخرآباد، مصطفی، پورقنبر، محمدحسن. (۱۴۰۰). «وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پهلوی دوم به انگلیس»، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، شماره ۸۶، ۶۸-۴۳.
- سوری لکی، محمدعلی، سوری، ایرج. (۱۳۹۵). «روند نوسازی، تعارضات فرهنگی- مذهبی و فروپاشی حکومت پهلوی دوم»، *فصلنامه ژرفا پژوه*، شماره پیاپی ۶ و ۷، ۷۰-۴۹.
- سوری، زهرا. (۱۳۹۴). *عوامل تاثیرگذار بر تغییرات مد و لباس دوره پهلوی اول و دوم (۱۳۰۴-۱۳۵۷ هجری خورشیدی)*. رساله کارشناسی ارشد.
- شهیدی، محمد. (۱۳۹۶). *تحلیل عملکرد و ساختار موسسات علمی و فرهنگی ایران در دوره پهلوی دوم؛ مطالعه موردی: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها و مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی*. رساله کارشناسی ارشد. پژوهشکده تاریخ ایران.
- فدایی، رضا. (۱۳۹۱). *عملکرد فرهنگی آمریکا در دوره پهلوی دوم*. رساله کارشناسی ارشد. شاهرود.
- قاراخانی، سلمان، رنانی، محسن، کریمی، زهرا. (۱۴۰۰). نهادها و رشد اقتصادی (تحلیلی بنیادین از موانع نهادی تداوم رشد اقتصادی ایران عصر پهلوی دوم)، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره ۲۶، شماره ۸۶، ۷۴-۱۲۴.
- کتابی، محمود، شفیعی، اسماعیل، نوائی، فرهاد. (۱۳۹۵). «نقش مولفه‌های مختلف در جهت‌گیری فرهنگ سیاسی نخبگان پهلوی دوم»، *فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۳۷، ۹۴-۷۵.
- محمد، صفایی نیا. (۱۳۹۵). *بررسی و تحلیل قدرت نرم در حکومت پهلوی (کامیابی و ناکامی‌ها)*. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه اراک.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۷۴). «ساختار استبدادی حکومت پادشاهی و عدم رشد بورژوازی در ایران»، *راهبرد*، شماره ۶.

- میرزازاده، احمدبیگلو. (۱۳۸۱). *فرهنگ، توسعه و اقتصاد سیاسی نفت در دوره پهلوی دوم*. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- وحیدی راد، میکائیل. (۱۳۹۸). «پیوستگی اقتصادی-سیاسی رویدادهای فرهنگی در عصر پهلوی دوم (جشن‌های ۲۵۰۰ ساله)»، *فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)*، شماره ۴۳، ۱۸۷-۲۱۰.
- وشمه، علی، ترابی فارسانی، سهیلا، جدیدی، ناصر. (۱۳۹۶). *سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی دوم در زمینه صنعت با تاکید بر روابط ایران و آلمان از ۱۳۰ تا ۱۳۵۷ ش*، *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی*، ۲۲، ۶۷-۷۸.